



بررسی اثرات آزاد سازی تجارت خدمات مالی بر اشتغال در کشورهای منتخب اسلامی

محمد نقیبی^۱ - معصومه کیانی سرنقی^۲

تاریخ دریافت: ۹۵/۳/۲۴ تاریخ پذیرش: ۹۵/۱۰/۲۷

چکیده

آزاد سازی تجاری به عنوان نماد اصلی جهانی شدن و مهم ترین نیروی پیشبرنده آن محسوب می شود. اجرای سیاست آزاد سازی تجاری به لحاظ آثار مثبت آن بر روی شاخص های کلان اقتصادی و اجتماعی همواره مورد توجه سیاست گذاران اکثر کشورهای دنیا قرار گرفته است. در این بین تجارت خدمات سهم قابل توجهی را در میان بخش های مختلف تجاری باز کرده است. لذا، در مقاله حاضر تأثیر آزاد سازی تجارت خدمات مالی بر اشتغال مورد بررسی قرار گرفته است. به منظور همگنی نسبی ساختارهای اقتصادی کشورها، ده کشور منتخب اسلامی از جمله ایران به عنوان نمونه مورد مطالعه انتخاب شدند. داده های آماری مورد استفاده از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۲ می باشد. مدل مورد بررسی در این پژوهش با استفاده از مدل پانل دیتا و با استفاده از نرم افزار STATA12 برآورد شد. سایر متغیرهای استفاده شده در این تحقیق عبارتند از: مالیات بر درآمد، ارزش افزوده تولید و نرخ ارز موثر واقعی. نتایج مطالعه حاکی از تأثیر مثبت و معنی دار آزاد سازی تجارت خدمات مالی بر روی اشتغال می باشد. بر این اساس می توان مدعی شد که سیاست های آزاد سازی تجارت خدمات مالی می تواند میزان اشتغال در جامعه را افزایش داده و نرخ بیکاری را کاهش دهد. همچنین متغیرهای مالیات بر درآمد و ارزش افزوده تولید تأثیر منفی و معنی دار و متغیر نرخ ارز موثر واقعی تأثیر مثبت و معنی دار بر روی اشتغال دارند که مطابق با مبانی نظری تحقیق می باشد.

واژگان کلیدی: تجارت خدمات مالی، اشتغال، روش اقتصاد سنجی پانل دیتا

^۱ استاد یار و عضو هیئت علمی، گروه اقتصاد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد سلماس mohammadnaghbi85@yahoo.com

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه اقتصاد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سلماس (نویسنده مسئول) masumeh.kiyani2@gmail.com

(۱) مقدمه

مهمترین عامل رشد همگرایی اقتصاد جهانی، رشد تجارت بین‌الملل^۱ است. به گونه‌ای که نرخ رشد تجارت بین‌الملل از دهه ۱۹۶۰ تاکنون در بیشتر سال‌ها بالاتر از نرخ رشد تولید ناخالص داخلی جهان بوده است. آزادسازی تجاری و رشد تجارت خارجی اثرات مثبت و منفی بر بازار کار دارد. از لحاظ اینکه افزایش تجارت، به ویژه افزایش صادرات سبب افزایش تولید و به تبع آن افزایش اشتغال خواهد شد شکی نیست، اما رشد تجارت تنها به همین حرکت در اقتصاد خلاصه نمی‌شود. کالا و خدماتی که بازارهای جهانی عرضه می‌شوند، بایستی دارای ویژگی استاندارد بین‌المللی باشند و با کالاها و خدمات مشابه خارجی رقابت کنند، لذا نیروی کار به کار گرفته شده در تولید محصولات صادراتی باید دارای بهره‌وری بالایی باشند (زارع و دیگران، ۱۳۸۹). به همین ترتیب با رشد تجارت خارجی، نیروی کار ماهر، با بهره‌وری بالا از بخش‌های غیرصادراتی به بخش صادراتی منتقل می‌شوند، بدین ترتیب ایجاد اشتغال در بخش‌های صادراتی اغلب برای نیروهای کار ماهر است و نیروی کار غیرماهر عمدتاً در بخش‌های غیرصادراتی باقی می‌مانند. در این وادی به لحاظ اهمیت نیروی کار ماهر و افزایش دستمزد آنها، مقوله آموزش به ویژه آموزش فنی حرفه‌ای و دانشگاهی برای افزایش مهارت نیروی کار ضروری می‌نماید (کميجانی و قويدل، ۱۳۸۵). باز کردن اقتصاد بر روی تجارت خارجی به رقابت بیشتر می‌انجامد و آثار مثبتی بر سطح بهره‌وری و اشتغال نیروی کار و کیفیت و تنوع محصولات می‌گذارد (اثنی عشری و دیگران، ۱۳۸۹). همچنین تجارت وسیله‌ای برای گسترش بازار داخلی، تقسیم کار، افزایش کارایی، بهبود بهره‌وری و رشد و توسعه اقتصادی است و به عنوان موتور رشد و توسعه اقتصادی عمل می‌کند.

با گسترش تجارت، امکان تقسیم نیروی کار و صرفه‌جویی‌های مقیاس فراهم می‌شود. تجارت بین‌الملل و به تبع آن تجارت خدمات وسیله‌ای برای انتقال ایده‌ها، تکنولوژی، روش اداره و ایجاد مهارت‌های جدید می‌باشد. تجارت موجب تشویق و تسهیل جریان بین‌المللی سرمایه از سوی سایر کشورهای خارجی توسعه‌یافته به سوی کشورهای در حال توسعه می‌شود. در حالت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، بنگاه خارجی نظارت مدیریتی خود را در طول سرمایه‌گذاری حفظ می‌کند و از نیروی کار متخصص خارجی نیز برای انجام عملیات استفاده می‌کند. همچنین تجارت بین‌الملل یک اسلحه کارآمد بر علیه انحصار به شمار می‌رود. زیرا با وجود رقابت، تولیدکنندگان داخلی انگیزه تولید با کارایی

بیشتر را به دست می‌آورند. اهمیت قضیه در این است که با تجارت، هزینه و قیمت کالاهای واسطه‌ای و نیمه تمام که در تولید سایر کالاهای داخلی به کار می‌رود در سطح پایین نگه داشته می‌شود (سالواتوره، ۱۳۸۶).

بنابراین افزایش تجارت خارجی در بخش‌های مختلف خدماتی سبب می‌شود که گروهی از نیروی کار، منافع و شغل خود را از دست دهند و گروهی منافع و شغل‌های مناسبی به دست آورند، به هر حال اینکه چه میزان فرصت شغلی در اثر آزادسازی تجاری از دست می‌رود و چه میزان فرصت شغلی ایجاد می‌شود، در کشورها با میزان درجه باز بودن اقتصاد و سهم شاغلین ماهر و غیرماهر متفاوت است. عمدتاً در کشورهای پیشرفته به لحاظ بالا بودن سهم نیروی کار ماهر از کل شاغلان، برابری ایجاد و تخریب فرصت شغلی مثبت است. اما در کشورهای در حال توسعه این برابری دارای اثرات نامشخصی است. برای مثال در مراکش، تجارت آزاد، در متوسط اشتغال در بخش‌های کارخانه‌ای اثر نداشته و یا در مکزیک تقاضا برای نیروی کار افزایش یافته است، اما در اروگوئه آزادسازی تجاری موجب کاهش تقاضا برای نیروی کار شده است (کميجانی و قويدل، ۱۳۸۵).

با توجه به اهمیت آزادسازی و توسعه تجارت خدمات مالی بر توسعه عملکردهای بخش‌های مختلف اقتصادی، مقاله حاضر به بررسی ارتباط بین آزادسازی تجارت در بخش خدمات مالی و اشتغال جوامع می‌پردازد. تا تأثیرپذیری مثبت و منفی میزان اشتغال از آزادسازی تجارت خدمات مالی را در کشورهای اسلامی مورد سوال و بررسی قرار دهد. بر این اساس، فرضیه اصلی این مقاله تأثیر مثبت آزادسازی تجارت خدمات مالی بر میزان اشتغال در کشورهای منتخب اسلامی می‌باشد. در واقع در صورت تأیید تأثیر مثبت آزادسازی تجارت خدمات مالی بر میزان اشتغال کشورها چنین استنباط می‌گردد که نه تنها نگرانی از تأثیر منفی و محدود شدن بخش مالی اقتصاد وجود ندارد بلکه اولویت‌های سیاست‌گذاری برای بهبود رشد اقتصادی، بهره‌وری و میزان اشتغال و رفاه اجتماعی خواهد بود. این در حالی است که در صورت اثبات تأثیرپذیری منفی اشتغال از آزادسازی تجارت خدمات مالی، سیاست‌گذاران بایستی قبل از اعمال سیاست‌های آزاد تجاری اقدامات لازم را جهت توانمندسازی و رقابت با اقتصادهای بزرگ دنیا در دستور کار خود قرار دهند.

(۲) مبانی نظری تحقیق

از اواخر قرن بیستم میلادی، جهان دستخوش تحولات عمیقی در روابط سیاسی، اقتصادی و تجاری گردید. پس از

در چارچوب این تعریف قرار می‌گیرد. به همین دلیل می‌توان گفت، به طور کلی خدمات مالی روی دوم سکه اقتصادهای مدرن و یک بخش بزرگ و در حال رشد در همه اقتصادهای جهان امروز اعم از توسعه یافته و درحال توسعه است و امروزه انواع مختلف فعالیت‌های اقتصادی بستگی به دسترسی آنها به خدمات مالی دارند. سیستم‌های مالی به منظور بهبود هزینه‌های اطلاعاتی و مبادلاتی و به وسیله تخصیص منابع، جمع‌آوری پس‌اندازها، نظارت بر شرکت‌ها تسهیل مدیریت ریسک و تسهیل تجارت کالاها، خدمات و قراردادهای منجر به انباشت سرمایه و ابداعات تکنولوژیکی می‌گردد و از این طریق به رشد اقتصادی کمک می‌نماید (لوین، ۱۹۹۷). همچنین از آنجایی که محدودیت‌ها بر تجارت خدمات مالی اثر منفی بر کارایی بخش خدمات مالی دارد، هدف از تجارت خدمات مالی کاهش یا برطرف کردن تمام موانع تجاری بخش خدمات مالی از طریق اجازه ورود بنگاه‌های مالی خارجی در بخش بانکداری، بیمه، بورس اوراق بهادار و سایر بخش‌های خدمات مالی مربوطه به منظور کمک به کارایی بیشتر در این بخش است. همچنین آزادسازی تجاری این بخش نیز مانند سایر بخش‌ها عموماً از طرق متفاوت مانند موافقت‌نامه عمومی تجارت خدمات سازمان تجارت جهانی و نیز موافقت‌نامه‌های تجاری منطقه-ای صورت می‌پذیرد. در این خصوص هر چند که موافقت‌نامه عمومی تجارت خدمات سازمان تجارت جهانی در جهت آزادسازی تجاری در بخش خدمات را شروع کرد، اما دور جدید مذاکرات تجاری در مورد خدمات، با هدف مشخص کردن نیازها و منافع کشورهای در حال توسعه توسط سازمان جهانی تجارت در سال ۲۰۰۰ آغاز شد و در شکل وسیع‌تر آن در دور دوحه ادامه یافت. در میان یازده بخش خدمات موجود در فهرست طبقه‌بندی بخشی سازمان جهانی تجارت، بخش خدمات مالی از نظر تعداد تعهدات رتبه دوم را در میان آن بخش‌ها دارد. همچنین تا اواسط سال ۲۰۰۷ میلادی، ۱۲۱ کشور عضو این سازمان (۸۱ درصد اعضا شامل تمامی اعضای جدید ملحق شده به این سازمان)، حداقل یکی از تعهدات زیر بخش‌های خدمات مالی را پذیرفته‌اند (راستی، ۱۳۸۸).

در نهایت می‌توان گفت خدمات مالی اصطلاحی است برای خدماتی که توسط بازار مالی تامین می‌شود. کار این بازار دادوستد سرمایه و اوراق بهادار می‌باشد. این اصطلاح همچنین برای سازمان‌هایی که کارشان مدیریت پول و سرمایه است نیز به کار می‌رود. سازمان‌هایی نظیر بانک‌ها، بیمه‌ها، بانک‌های سرمایه‌گذاری و شرکت‌های ارائه‌دهنده کارت‌های اعتباری و کارگزاران مالی و... این بازار بزرگ‌ترین

پایان جنگ جهانی دوم، در زمینه تجارت بین‌الملل، اقدامات قابل توجهی صورت گرفت که از آن جمله مهم‌ترین آنها، پیشنهاد دولت آمریکا در سال ۱۹۴۵ مبنی بر تأسیس کنفرانس بین‌المللی برای تشکیل سازمان تجارت بین‌المللی بود. با توجه به این تلاش‌ها، سرانجام در سال ۱۹۴۸ پیشنویس منشور تجارت جهانی تهیه شد. از جمله بخش‌های این منشور، موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت (گات، ۱۹۴۸)^۲ بود که با هدف توسعه تجارت از طریق کاهش و حذف موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای تجارت، تصویب و نهایی شد. در اواخر دهه ۱۹۸۰ و اوایل دهه ۱۹۹۰ بحث تجارت غیرکالایی، وارد حیطه بازرگانی بین‌المللی شد که بارزترین آن، تجارت خدمات بود. ارزش افزوده بالای حاصل از خدمات از یک سو و وابستگی تجارت جهانی کالاها به خدمات از سوی دیگر، منجر به توجه روزافزون به این بخش گردید (بهکیش، ۱۳۸۵).

به طور کلی می‌توان گفت تجارت نقش مهمی در اقتصاد کشورها دارد. اغلب کشورها برای افزایش رشد اقتصادی به دنبال توسعه تجارت با سایر کشورها و تولید کالا بر اساس مزیت نسبی هستند. تجارت خارجی در مجموعه فعالیت‌های اقتصادی کشور و همچنین رشد و توسعه آنها بسیار حائز اهمیت است (قنبری و همکاران، ۱۳۸۹). امروزه بخش تجارت خارجی به عنوان یکی از مهمترین بخش‌های اقتصادی در اغلب کشورهای در حال توسعه مورد توجه می‌باشد. مطالعات اخیر نشان داده است که تنها کشورهایی می‌توانند ابتکار عمل در این بخش را در دست داشته باشند که با توجه به اهداف بلند مدت اقتصادی اجتماعی، برنامه معینی را طرح‌ریزی و ساماندهی کرده باشند. بدیهی است برای اتخاذ سیاست‌های مناسب در بخش تجارت خارجی، شناخت هرچه دقیق‌تر صادرات و واردات الزامی است (تشکینی و باستانی، ۱۳۸۵). بنابراین توجه ویژه به میزان صادرات و واردات از اهم موارد خواهد بود به طوری که یکی از معیارها در ارزیابی بنیه اقتصادی هر کشور، تراز تجاری آن می‌باشد که صادرات و واردات دو رکن اصلی این تراز هستند (سیانلو و قنبری، ۱۳۸۹). اما در این بین خدمات مالی بخش بسیار مهمی از تجارت را در بین کشورها و اقتصادهای بزرگ دنیا باز کرده است. خدمات مؤسسات مالی و پولی مشتمل بر خدمات حاصل از فعالیت بانک‌ها، مؤسسات اعتباری غیربانکی، نظیر شرکت‌های پس‌انداز و وام، مؤسسات اعتباری و شرکت‌های سرمایه‌گذاری است. بر این اساس فعالیت کلیه مؤسسات و شرکت‌هایی که بگونه‌ای به امر واسطه‌گری مالی بین عرضه‌کنندگان وجوه و تقاضاکنندگان پول و سرمایه اشتغال دارند،

نظر از اساسی‌ترین نیازهای جامعه محسوب می‌شود. بیکاری به عنوان یک پدیده ی مخرب اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مطرح بوده و رفع آن همواره از جمله دغدغه‌های برنامه‌ریزان بوده است (کرباسی و همکاران، ۱۳۸۷). اشتغال و بیکاری از جمله موضوعات مهم اقتصادی هر کشوری است، به گونه ای که افزایش اشتغال و کاهش بیکاری به عنوان یکی از شاخص‌های توسعه یافتگی جوامع تلقی می‌شود. البته بسیاری از محققان با زمینه‌ها و سوابق آموزشی مختلف، سرانجام در واکنش مناسب به این طرز فکر که مفهوم بیکاری را در حد بعد اقتصادی آن پایین می‌آورد، توجه همگان را به این مسأله جلب کرده‌اند که لازم است بعد اقتصادی بیکاری با مجموعه‌ای از مفاهیمی که به همین اندازه حائز اهمیت می‌باشد، از قبیل جامعه‌پذیری، مشارکت، شخصیت و غیره همراه گردد تا بدین وسیله هم در تجزیه تحلیل‌های علمی و هم در برنامه ی کاری، همه ابعاد اجتماعی فرهنگی جهان کار را شامل می‌گردد (ارگاس، ۱۳۸۰). در واقع، بیکاری را گاهی علاوه بر اینکه یک پدیده‌ی اقتصادی می‌دانند یکی از معضلات اجتماعی نیز قلمداد می‌کنند، از آن رو فرد بیکار چون خود را سبب هیچ فایده و انگیزه‌ای نمی‌داند، دارای انرژی برای تخریب و کنش‌های غیر معقول در جامعه می‌باشد (کیانمهر، ۱۳۸۵).

در دنیای امروز رقابت بین شرکت‌های بزرگ کشورها جای خود را به رقابت در محیط کسب و کار داده است و کشورهایی که قادر شده اند محیط کسب و کار مطلوب‌تری ایجاد نمایند، بنگاه‌های قوی‌تری دارند و از رشد اقتصادی مطلوب‌تری نیز برخوردار هستند. لذا فضای کسب و کار که مجموعه عوامل موثر بر قیمت و کیفیت محصول واحدهای اقتصادی است که مدیر و یا مالک بنگاه نقش اساسی در آن ندارد و بر مدیر بنگاه تحمیل می‌شود، اهمیت فراوان پیدا کرده است. این عوامل می‌توانند عوامل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، تکنولوژیکی و یا قوانین و مقررات در یک کشور باشند. کیفیت زیرساخت‌های اقتصادی، میزان فساد اداری، امنیت اجتماعی، ثبات در سیاست‌های اقتصادی، کیفیت نظام قضایی و... از جمله عوامل محیطی هستند که به صورت مستقیم بر عملکرد واحدهای اقتصادی تأثیر می‌گذارند.

از جمله علل و عوامل بیکاری میتوان موارد ذیل را نام برد: روال صنعتی شدن و حرکت کردن از روستاها به شهرها، رشد جمعیت، ناتوانی بخش‌های دولتی در جذب فارغ التحصیلان دانشگاهی، پایین بودن نرخ سرمایه گذاری، بیکاری پنهان، انتخاب تکنیک‌های سرمایه‌بر به جای کاربر و عدم توجه به توریسم. بدیهی است که در به دنبال بیکاری

بازار در دنیاست که بیشترین سود آوری و بازده را دارد. از طرفی این اصطلاح برای هر گونه خدمت و یا محصول که در ماهیت و ذات مالی است و ممکن است توسط قانون‌گذار و مقامات مالی ناظر بر بازار ارائه شود را نیز در بر می‌گیرد. بنابراین این بازار زمینه بالقوه‌ای از ریسک و بازده بالا به همراه مقررات و قوانین شدید که بر آن حاکم است متحمل می‌شود. طبیعی است که افزایش قدرت مالی اشخاص موجبات پدید آمدن نیازهای جدیدی به محصولات و خدمات مالی را می‌شود که خود این امر موجبات گسترده شدن بازار خدمات مالی از سویی و پدید آمده نوآوری‌های مالی جدید می‌شود. این نوآوری‌ها در تنگاتنگ رقابت برای کسب سهم بیشتر از بازار مالی با سرعت زیادی ایجاد و روزبه‌روز پیچیده‌تر می‌شود و محیط تجاری بازار مالی را نامطمئن‌تر می‌کند. این احساس ناامنی ناظران ومقررات-گزاران را به سخت‌تر کردن مقررات بازارهای مالی وا می‌دارد و این چرخه ادامه می‌یابد تا جایی که فشار زیاد به همراه رقابت تنگاتنگ به بحران بازار منجر می‌شود و بازسازی جدیدی را در بازارهای مالی بوجود می‌آورد. برنده این بازارها قطعاً کسانی هستند که از فرصت‌های خود به خوبی استفاده کرده باشند (فرصت در بازارهای مالی پیشرفت همزمان بازار مالی با نیازهای مشتریان و تغییرات تکنولوژیک است). ضمن اینکه نسبت به رفع نقاط ضعف خود و استفاده از قوت‌های خود گام موثری برداشته باشند (غلامزاده، ۱۳۸۹).

نقش سرمایه انسانی و نیروی کار در صحنه‌های اقتصادی از اهمیت زیادی برخوردار است. به طوری که می‌توان گفت با تکیه بر نیروی کار کارآمد، می‌توان فرآیند رشد و توسعه را سرعت بخشید. در این رابطه، مقوله اشتغال به موجب اثرات، تبعات و پیامدهای اقتصادی که از خود به جای می‌گذارد، از جمله موضوعاتی است که باید مورد توجه قرار گیرد. بنابراین در همه کشورها مسأله اشتغال از مهم‌ترین اهداف برنامه‌ریزی به شمار می‌رود به طوری که می‌توان گفت هیچ برنامه‌ای بدون توجه به مسأله اشتغال نمی‌تواند نتیجه مطمئنی را به همراه داشته باشد. اصولاً ایجاد اشتغال و حل مسأله بیکاری بهترین پشتوانه برای اجرا و پیشبری اهداف برنامه‌ریزی‌ها به حساب می‌آید و در این مسیر سیستم‌هایی موفقند که بتوانند موضوع اشتغال را به خوبی حل و فصل کنند. عوامل مختلفی می‌توانند بر روی اشتغال موثر باشند. متغیرهایی نظیر تجارت، مالیات، مخارج تکنولوژی فناوری اطلاعات و ارتباطات، ارزش افزوده تولیدی و نرخ ارز از جمله عواملی هستند که قادرند بر روی اشتغال تأثیر داشته و باعث افزایش و یا کاهش آن شوند (کتافروش، ۱۳۹۲). لذا موضوع اشتغال و دستیابی افراد به شغل مورد

تحقیقات هون و کی^{۱۲} (۲۰۰۵) نشان دادند که افزایش گشودگی تجاری و اعمال سیاست‌های مبتنی بر آزادسازی تجاری در سنگاپور، طی سال‌های ۱۹۶۶ تا ۲۰۰۰ باعث کاهش چشمگیر نرخ بیکاری در سنگاپور گردید و از سویی دیگر، حجم عظیمی از سرمایه‌ها را به سمت بخش‌های صادراتی اقتصاد سنگاپور سرازیر کرد و زمینه مساعدی را برای اشتغال بیکاران این کشور و حتی کارگران مهاجر را فراهم ساخت.

دو و لوچنکو^{۱۳} (۲۰۰۴) اثر تجارت بر توسعه مالی را مورد تحلیل قرار دادند و در این ارتباط یک الگوی نظری با دو بخش را ارائه کردند که یکی از این بخش‌ها مالی محور بود. در این الگو اندازه سیستم مالی یعنی ارزش وام گرفتن و وام دادن در اقتصاد به طور طبیعی تابعی از کل محصول در بخش مالی محور است. به علاوه کیفیت سیستم مالی تابعی از اندازه آن است. در این چهارچوب بخش مالی بزرگتر، وضعیت آسانتری را برای کارآفرینان جهت پوشش تأمین نیازهای مالی آنها به منابع خارجی، فراهم می‌آورد. علت این امر این است که وقتی کارآفرینان شروع به طرح‌های مالی محور نموده و با سیستم مالی کشور سروکار پیدا می‌کنند، باعث افزایش نقدینگی می‌شوند. در این میان سیستم مالی عمیق‌تر موجب کاهش ریسک طرح‌ها از طریق کاهش تعداد موارد و وضعیت‌های احتمالی که کمبود نقدینگی رخ می‌دهد، می‌گردد. بدین ترتیب در این الگو کارآفرینانی که وارد بخش مالی محور می‌گردند، موجب پیدایش اثر جانبی مثبت برای سایر کارآفرینان می‌شوند.

امینی و لطفی پور (۱۳۹۴) اثر آزادسازی تجارت خدمات بر بهره‌وری کل عوامل را برای کشورهای در حال توسعه بررسی کردند. این مطالعه در قالب الگوی اقتصادسنجی پانل دیتا، با استفاده از داده‌های دوره زمانی ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۹ برای ۲۱ کشور در حال توسعه انجام گرفت. نتایج به دست آمده از تخمین مدل اثر آزادسازی تجاری کل بخش خدمات بر بهره‌وری، تأییدکننده وجود ارتباط مثبت و معنادار بین آزادسازی تجارت خدمات و بهره‌وری کل عوامل است.

راستی و همکاران (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با استفاده از روش پانل دیتای پویا به بررسی آثار توسعه تجارت خدمات (اعم از کل تجارت خدمات و به تفکیک زیربخش‌های حمل و نقل، مسافرت و گردشگری، خدمات بازرگانی و خدمات مالی) بر رشد اقتصادی، در کشورهای ملحق شده به سازمان جهانی تجارت پرداخته‌اند. نتایج حاصل دلالت بر تاثیر مثبت و معنادار توسعه کل تجارت خدمات و برخی از زیربخش‌های مهم خدمات بر رشد اقتصادی کشورهای ملحق شده به

در یک کشور باید منتظر پیامدهای آن در جامعه باشیم. ناامنی ملی، فقر و ناهنجاری‌های روانی، خرابکاری، بزه‌کاری و روسپیگری، قاچاق مواد مخدر، طلاق، فرار و ترک خانه و... از جمله این پیامدها می‌باشد که اهمیت این موضوع را بیش از پیش آشکار می‌سازد (تنهاچافی، ۱۳۹۲).

۳) مروری بر پژوهش‌های انجام شده

با اینکه تجارت خدمات مالی در سال‌های اخیر مورد توجه قرار گرفته است با نگاهی به تحقیقات صورت گرفته، مطالعات کامل و جامعی در این باره به ندرت دیده می‌شود. این در حالی است که اکثر این مطالعات در خصوص کل تجارت اعم از تجارت کالایی و خدمات و یا تنها تجارت کالایی می‌باشد. با اینکه تحقیقات انجام شده در مورد ارتباط بین تجارت خدمات مالی و رشد اقتصادی (رفاه اجتماعی، اشتغال، بهره‌وری و...) در آغاز راه می‌باشد اما واقعیت این است که بخش خدمات، در اکثر کشورها بیش از نصف و حتی در کشورهای صنعتی بیش از دو سوم تولید ناخالص داخلی آنها را تشکیل می‌دهد.

می‌هال و همکاران^{۱۴} (۲۰۱۵) تأثیر آزادسازی تجارت را بر روی رشد اقتصادی را براساس شاخص درآمد سرانه و دیگر متغیرهای مطبوع مورد بررسی قرار دادند. این تحقیق برای ده کشور جنوب شرقی اروپا و برای سال‌های ۱۹۹۶ تا ۲۰۱۲ انجام شده است. مدل مورد بررسی در این تحقیق با استفاده از مدل پانل دیتا^{۱۵} و براساس سیستم GMM^A صورت گرفته است. نتایج برآورد حاکی از اثرات مثبت باز بودن تجارت بر روی رشد اقتصادی این کشورها را در پی دارد. علاوه بر این درجه باز بودن اقتصاد بیشتر برای کشورهای با درآمد سرانه بالا مفیدتر می‌باشد زیرا این کشورها با سطح بالاتری از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی یا تشکیل سرمایه در داخل مواجه هستند.

لاپادره^{۱۶} (۲۰۱۲) رابطه بین تجارت و اشتغال و سطح دستمزدها را در ایتالیا بررسی کردند. ایشان به این نتیجه رسیدند که سیاست‌های آزادسازی در ایتالیا به تطبیق و سازگاری اشتغال و سطح دستمزدها در برابر شوک‌های خارجی کمک می‌کنند.

میترا^{۱۷} (۲۰۰۹) در مطالعه‌ای اثر آزادی تجارت خدمات بر اشتغال در هند را مورد بررسی قرار داد. داده‌ها به صورت مقطعی است که ارزش افزوده واردات و صادرات تخمین زده شده است. روش استفاده شده $ARDL^{11}$ است. بازه زمانی برای داده‌ها ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۵ است. نتایج نشان می‌دهد که آزادی تجارت اثر مثبتی بر اشتغال نیروی کار ماهر دارد.

بیشترین حجم اطلاعاتی را در برداشتند، انتخاب شده‌اند. اطلاعات سری زمانی مربوط به کشورهای مذکور از منابع بین‌المللی معتبر از جمله بانک جهانی جمع‌آوری شده است. مدل مورد بررسی در این تحقیق نیز برگرفته از قسمتی از مقالات پولات و ارتاد^{۱۵} (۲۰۱۱) به صورت تصریح شده و به شکل زیر می‌باشد:

$LEMP = f(LTRADE, LTAX, LMVA, LR)$
 اشتغال (EMP) به عنوان متغیر وابسته می‌باشد که درصد جمعیت فعال بالای ۱۵ سال بر کل جمعیت را شامل می‌شود.

تجارت خدمات مالی (TRADE) بر اساس شاخص باز بودن تجارت خدمات مالی می‌باشد که نسبت مجموع ارزش صادرات و واردات خدمات مالی بر تولید ناخالص داخلی تعریف می‌شود.

مالیات (TAX) در این پژوهش به صورت مالیات بر درآمد آورده شده است که به صورت درصدی از GDP می‌باشد. ارزش افزوده تولید (MVA) میزان ارزش افزوده بخش‌های تولیدی بر حسب دلار می‌باشد. نرخ ارز موثر واقعی (R) دیگر متغیری است که در این تحقیق بر اساس سال پایه ۲۰۰۵ مورد استفاده قرار می‌گیرد.

کشورهای منتخب در این پژوهش را ایران و ۹ کشور اسلامی آذربایجان، ترکیه، مالزی، اندونزی، کویت، پاکستان، قطر، تونس و یمن شامل می‌شود. داده‌ها برای سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۲ جمع‌آوری گردیده است و تخمین با استفاده از روش پانل دیتا و با نرم افزار STATA انجام می‌شود. برای جمع‌آوری داده‌ها برای متغیر تجارت خدمات مالی، اشتغال، مالیات، ارزش افزوده تولیدی و نرخ ارز موثر واقعی از بانک اطلاعاتی WDI^{۱۶} استفاده شده است.

۵) نتایج آزمون پایایی متغیرها

قبل از آزمون فرضیه‌ها و برآورد مدل‌های این تحقیق، لازم است تا مانایی متغیرهای مورد استفاده در مدل بررسی شود. زیرا نامانایی متغیرها چه در مورد سری‌های زمانی و

سازمان جهانی تجارت دارد. به علاوه در کشورهای ملحق شده به WTO^{۱۴} تاثیرپذیری رشد اقتصادی از توسعه تجارت خدمات بیشتر از تاثیرپذیری آن از توسعه کل تجارت (اعم از کالا و خدمات) بوده است. همچنین نتایج نشان می‌دهد که در میان زیربخش‌های خدمات، توسعه تجارت خدمات مالی و بازرگانی به ترتیب بیشترین تأثیر مثبت را بر رشد اقتصادی کشورهای ملحق شده به سازمان جهانی تجارت دارند و در میان بخش‌های مورد مطالعه، تأثیر توسعه خدمات حمل و نقل بر رشد اقتصادی مثبت و بی‌معنا و تأثیر رشد بخش مسافرت و گردشگری بر رشد اقتصادی منفی و بی‌معنا می‌باشد.

رسولی‌نژاد و نوری (۱۳۸۸) اثر آزادسازی فناوری اطلاعات و ارتباطات در کوتاه‌مدت، اثر منفی بر اشتغال دارد اما در بلندمدت این اثر مثبت خواهد بود. همچنین تأثیر فناوری و ارتباطات بر نیروی کار در ایران در بلندمدت، مثبت و بر نیروی کار غیرماهر منفی است.

زاغیان و عسگری (۱۳۸۵) در مطالعه‌ای که با عنوان "تأثیر آزادسازی تجارت خدمات مالی بر رشد اقتصادی ایران" طی دوره ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۱ انجام دادند، فرایند آزادسازی تجارت خدمات را به دو مرحله آزادسازی مالی و گشایش بازارهای مالی داخلی به روی بازارهای خارجی تقسیم می‌نمایند. آنها با اشاره به سهم ۰/۱۲ درصدی ایران از تجارت خدمات مالی، جایگاه ایران را نامناسب ارزیابی می‌کنند. نتایج تخمین مدل اقتصادسنجی که محققان برآورد نموده‌اند، نشان می‌دهد که کشش رشد اقتصادی نسبت به شاخص آزادسازی تجارت خدمات مالی (محاسبه شده توسط ماتو در سال ۱۹۹۹)، برابر با ۰/۹۹ درصد است. این ضریب بیانگر تأثیر مثبت آزادسازی خدمات بر رشد اقتصادی است.

۴) تصریح الگو

جامعه آماری مورد بررسی در این تحقیق شامل کشور منتخب اسلامی از جمله ایران را شامل می‌شود. شایان ذکر است، در بین کشورهای اسلامی آن دسته از کشورهایی که

جدول ۱: نتایج ضریب و سطح اطمینان آزمون‌های ریشه واحد

آزمون متغیر	لوین، لین و چو		ایم، پسران و شین		فیشر	
	احتمال	ضریب	احتمال	ضریب	احتمال	ضریب
اشتغال	0.0000	-26.7379	0.0000	-10.2326	0.0000	62.8189
تجارت خدمات	0.0008	-3.17242	0.4477	-0.13151	0.0979	28.5072
مالیات بر درآمد	0.0009	-3.12267	0.1807	-0.91264	0.1152	27.7611
ارزش افزوده تولید	0.0000	-4.95494	0.1567	-1.00818	0.0058	39.4938
نرخ ارز موثر واقعی	0.0000	-3.93841	0.6176	0.29914	0.0793	29.4496

مأخذ: یافته‌های تحقیق

متعارف F لیمر^{۲۳} و هاسمن^{۲۴} جهت در تحقیق استفاده خواهیم کرد.

۶-۱) آزمون F لیمر

بر اساس ادبیات اقتصاد سنجی داده‌های تابلویی، به منظور همگنی داده‌ها و در نتیجه استفاده از روش تخمین داده‌های تابلویی، آماره F لیمر مورد آزمون قرار می‌گیرد. نتایج آماره آزمون F دلالت بر معنی‌دار بودن استفاده از روش داده‌های تابلویی به جای روش حداقل مربعات تجمیع شده دارد. به همین منظور جدول شماره ۳ نتیجه تخمین این آزمون را نشان می‌دهد.

جدول ۳: آزمون لیمر F

آزمون	آزمون F
آماره	3.65
احتمال	0.000

مأخذ: یافته‌های تحقیق

۶-۲) آزمون هاسمن

حال جهت انتخاب بین مدل‌های اثرات ثابت و تصادفی از آزمون هاسمن استفاده خواهیم کرد. نتایج این آزمون در جدول شماره ۴ گزارش شده است.

جدول ۴: آزمون هاسمن

آزمون	هاسمن
Chi2	0.31
احتمال	0.9891

مأخذ: یافته‌های تحقیق

طبق نتایج آزمون هاسمن، در مدل تحقیق، آماره آزمون هاسمن معنی‌دار نیست، بنابراین فرض صفر این آزمون مبنی بر تصادفی بودن اثرات تصادفی را نمی‌توان رد نمود. بدین ترتیب مدل تحقیق براساس روش اثرات تصادفی برآورد می‌شود.

۷) آزمون‌های تشخیصی

قبل از برآورد نهایی مدل‌ها لازم است تا آزمون‌های تشخیصی شامل آزمون خودهمبستگی، آزمون همخطی و آزمون ناهمسانی واریانس بررسی شوند.

۷-۱) آزمون خود همبستگی

نتایج آزمون خودهمبستگی بین جملات اخلاص را در جدول ۵ مشاهده می‌کنید.

چه در مورد داده‌های تابلویی، باعث بروز مشکل رگرسیون کاذب^{۱۷} می‌شود. برای این منظور از آزمون‌های مختص بررسی مانایی داده‌های تابلویی استفاده می‌کنیم. از این رو نتایج آزمون لوین، لین و چو^{۱۸}، آزمون آیم^{۱۹}، پسران و شین^{۲۰} و آزمون فیشر^{۲۱} به شرح جدول ۱ متغیرهای تحقیق را از نظر مانایی مورد بررسی قرار داده‌اند. نتایج این جدول نشان می‌دهد که در میان متغیرهای مورد بررسی، تنها مقدار آماره‌های محاسبه شده برای متغیر اشتغال، بزرگتر از مقدار مربوط به سطح اطمینان رایج است که فرضیه‌ی صفر مبنی بر نامانایی متغیرها در ۹۵ درصد، رد می‌شود. به عبارت دیگر، تنها متغیر اشتغال با توجه به آزمون‌های انجام گرفته، مانا می‌باشد. بنابراین با وجود متغیرهای نامانا در مدل‌ها ممکن است رگرسیون کاذب بروز نماید و نتایج تحقیق را دستخوش انحرافات اساسی نماید. برای حل این مشکل کائو و پدرونی^{۲۲} بررسی وجود همجمعی بین متغیرها در داده‌های ترکیبی را پیشنهاد نمودند.

مهمترین نکته در تجزیه و تحلیل‌های همجمعی آن است که با وجود غیر ایستا بودن بعضی از متغیرها و داشتن یک روند تصادفی افزایش یا کاهش، در بلند مدت ممکن است که یک ترکیب خطی از این متغیرها، همواره ایستا و بدون روند باشند. با استفاده از تجزیه و تحلیل‌های همجمعی این روابط بلند مدت کشف می‌شود. به عبارت دیگر، در صورت صحیح بودن یک نظریه‌ی اقتصادی و ارتباط مجموعه‌ای از این متغیرها، انتظار داریم که ترکیبی از این متغیرها در بلند مدت، ایستا و بدون روند باشند. در این تحقیق از آزمون بررسی همجمعی کائو استفاده شده است.

جدول ۲: نتایج آزمون همجمعی کائو

آزمون	کائو
ضریب	-3.451735
احتمال	0.0003

مأخذ: یافته‌های تحقیق

نتایج این آزمون در جدول ۲ مشاهده می‌شود. بر طبق این نتایج، در سطح اطمینان ۹۵ درصد می‌توان گفت که در مدل این تحقیق فرضیه صفر مبنی بر عدم وجود بردار هم-انباشتگی را نمیتوانیم بپذیریم و روابط بلندمدت در بین متغیرها پذیرفته می‌شود.

۶) انتخاب رهیافت مناسب برای مدل‌های تحقیق

پس از حصول اطمینان از مانا بودن متغیرهای تحقیق، در ادامه به منظور انتخاب رهیافت مناسب از دو آزمون

جدول ۷: آزمون نسبت راست نمایی

راست نمایی	آزمون
-91.76 69	Chi2 آماره درجه آزادی
1.0000	احتمال

مأخذ: یافته‌های تحقیق

جدول ۵ آزمون خودهمبستگی

خودهمبستگی	آزمون
۴۰،۱۴۸ ۱،۶۹	F آماره درجه آزادی
۰،۰۰۰۱	احتمال

مأخذ: یافته‌های تحقیق

جدول ۸: آزمون والد تعدیل یافته

والد	آزمون
1.3e+05 70	Chi2 آماره درجه آزادی
0/000	احتمال

مأخذ: یافته‌های تحقیق

با توجه به نتایج آزمون خودهمبستگی، در مدل مورد بررسی در سطح اطمینان ۹۵ درصد و درجه آزادی ۱ و ۶۹، فرضیه صفر مبنی بر عدم وجود خودهمبستگی بین جملات اخلاص را نمی‌توان پذیرفت و مدل تحقیق دارای خودهمبستگی در بین جملات خود می‌باشد.

۲-۷) آزمون همخطی

برای تشخیص همخطی بین متغیرها از آزمون کشف عوامل افزایش‌دهنده‌ی واریانس (vif) استفاده می‌کنیم. برای انجام این آزمون ابتدا مدل رگرسیون را برآورد کرده و سپس آزمون انجام می‌شود. نتایج حاصل از این آزمون در جدول زیر نمایش داده شده است.

جدول ۶: نتایج آزمون هم خطی

مدل تحقیق		
1/VIF	VIF	متغیرهای مستقل
۰،۹۳۹۱۰۳	۱،۰۰۶	تجارت خدمات
۰،۹۶۳۱۳۴	۱،۰۰۴	مالیات بر درآمد
۰،۹۶۴۰۷۳	۱،۰۰۴	نرخ ارز موثر واقعی
۰،۹۸۲۹۱۱	۱،۰۰۲	ارزش افزوده تولید

مأخذ: یافته‌های تحقیق

نتایج حاصل از آزمون نسبت راست نمایی به دلیل منفی بودن آماره χ^2 دو^{۲۶} غیر قابل اعتماد می‌باشد اما نتایج حاصل از آزمون والد تعدیل یافته نشان می‌دهد که در مدل تحقیق فرضیه صفر مبنی بر همسانی واریانس جملات اخلاص پذیرفته نمی‌شود و مدل تحقیق دارای ناهمسانی واریانس می‌باشد. برای رفع ناهمسانی واریانس و همچنین رفع خودهمبستگی در مدل تحقیق از روش FGLS استفاده می‌شود.

۸) تخمین نهایی مدل بعد از رفع ناهمسانی و خودهمبستگی به روش FGLS

در این مرحله تخمین نهایی بعد از رفع موانع موجود انجام گرفت. ضرایب برآوردی رابطه بین متغیرهای توضیحی و متغیر وابسته را نشان می‌دهند و بیانگر تأثیر مثبت یا منفی بر روی اشتغال می‌باشند. همچنین به دلیل اینکه مدل به کار گرفته شده در این تحقیق یک مدل لگاریتمی است، ضرایب متغیرها بیانگر کشش می‌باشند. نتایج به دست آمده در جدول شماره ۹ آورده شده است.

جدول ۹: نتایج تخمین اثر تجارت خدمات مالی بر اشتغال در کشورهای منتخب اسلامی

متغیرهای مستقل	ضریب	آماره Z	احتمال
LTRADE	0.0156	2.82	0.005
LTAX	-0.0886	-24.82	0.000
LMVA	-0.3467	-17.40	0.000
LRE	0.3194	17.75	0.000
-cons	3.9524	63.07	0.000
Wald chi2 (5) = 1590.06		Prob > chi2 = 0.0000	R - sq:overall = 0.83

مأخذ: یافته‌های تحقیق

با توجه به نتایج آزمون فوق، می‌توان بیان کرد که در مدل تحقیق، مقدار هر یک از رگرسیون‌ها کمتر از ۱۰ بوده و بنابراین همخطی بین متغیرهای توضیحی برقرار نمی‌باشد.

۳-۷) آزمون ناهمسانی واریانس

ماهیت داده‌های تابلویی ایجاب می‌کند که در بسیاری از مطالعات مبتنی بر این گونه داده‌ها، مشکل ناهمسانی واریانس بروز نماید. با توجه به تأثیر مهم ناهمسانی واریانس بر برآورد انحراف معیار ضرایب و همچنین مسأله‌ی استنباط آماری، لازم است قبل از پرداختن به هرگونه تخمین، در مورد وجود و یا عدم وجود ناهمسانی واریانس تحقیق شود. جهت بررسی ناهمسانی واریانس از آزمون‌های والد^{۲۵} تصحیح شده و آزمون نسبت راست نمایی استفاده می‌کنیم. جداول زیر نتایج آزمون‌های ناهمسانی واریانس بر روی جملات اخلاص مدل را نشان می‌دهند.

۹) نتیجه گیری کلی و پیشنهادات

همانگونه که نتایج نشان می‌دهد کاهش شاخص تجارت خدمات مالی نسبت به اشتغال مثبت و معنی‌دار می‌باشد. افزایش تجارت باعث افزایش صادرات می‌شود که این مسأله موجب افزایش درآمد و بهبود رفاه اجتماعی و بالاخره افزایش اشتغال می‌شود. رشد شاخص تجارت، رقابت بیشتر را در بخش‌های تولیدی افزایش می‌دهد که این امر تأثیرات مثبتی بر سطح اشتغال و بهره‌وری می‌گذارد و باعث بهبود کیفیت و تنوع محصول می‌شود که این خود تولید و سرمایه‌گذاری را افزایش می‌دهد. اما چیزی که در این بین بیشتر از همه مشهود است اینکه در کشورهای اسلامی تجارت خدمات مالی نیز از ظرفیت‌های خالی بسیاری بهره گرفته و تجارت آزاد در این حوزه نیز می‌تواند موجب ایجاد درآمد و انتقال تکنولوژی و پیشرفت کشور شود. استفاده بهینه از این ظرفیت‌ها و تکنولوژی‌های وارداتی از سوی کشورهای توسعه یافته می‌تواند کشور را به سمت پیشرفت سوق داده به طوری که سرمایه‌گذاری و تولید خدمات و به تبع آن اشتغال نیز در این بخش کاملاً افزایش یابد که نتایج تحقیق نیز این امر را به خوبی مشخص می‌سازد.

کاهش مالیات نشان‌دهنده وجود یک رابطه منفی و معنی‌دار بین این متغیر و اشتغال در کشورهای مورد بررسی است. عملکرد نظام مالیاتی بر بازار کار بسیار موثر است. همچنین به دلیل تأثیرپذیری زیاد بازار کار از متغیرهای اقتصادی و اجتماعی گوناگون، نقش دولت در این مسیر بیش از پیش برجسته می‌باشد. بدون شک ابزار مهم دولت استفاده از سیاست‌های مالی است که در آن نقش مالیات برجسته است. مالیات‌ها نه تنها به عنوان منبع تأمین درآمدهای دولت و هزینه‌های عمومی بلکه به دلیل نقش بی‌بدیل خود در تغییر جهت سرمایه‌گذاری و تولید در تغییرات سطح اشتغال موثرند. افزایش در میزان مالیات، بازدهی عوامل تولید، به کارگیری عوامل کار، سرمایه و تولید را کاهش می‌دهد که این امر موجب کاهش سطح اشتغال در سطح جامعه می‌شود. همچنین افزایش نرخ مالیات و استفاده از نرخ مالیات تصاعدی می‌تواند میزان درآمد بنگاه‌های اقتصادی را کاهش داده و موجب کاهش تعداد بنگاه‌های تولیدی، تعدیل نیروی کار و در نهایت افزایش بیکاری شود. این امر در کشورهای در حال توسعه و اسلامی که از نظام مالیاتی منظم و پیشرفته بهره نمی‌برند و دولت‌ها نیز سعی در ایجاد درآمدهای مالیاتی گزاف جهت تأمین کسری بودجه و مخارج خود می‌نمایند، بیشتر به چشم می‌خورد.

کاهش برآوردشده مربوط به ارزش افزوده تولیدی نسبت به میزان اشتغال منفی و معنی‌دار می‌باشد. ارزش افزوده در

همانطور که مشاهده می‌شود، تمام متغیرهای استفاده شده در نمونه از لحاظ آماری در سطح بالایی از معنی‌داری می‌باشند. همچنین علایم ضرایب با نظریه‌های اقتصادی سازگار می‌باشند. میزان R^2 برابر با ۰/۸۳ بوده که نشان‌دهنده قدرت توضیح‌دهندگی بالای الگو می‌باشد. با توجه به نتایج تخمین نمونه می‌توان گفت:

۱) کاهش شاخص تجارت نسبت به اشتغال دارای ضریب مثبت و معنادار ۰،۱۵۶ است. این امر نشان می‌دهد که در اثر افزایش (کاهش) یک درصدی شاخص تجارت، اشتغال نیز به میزان ۰،۱۵۶ افزایش (کاهش) می‌یابد. بنابراین وجود یک رابطه مثبت و معنی‌دار بین آزادسازی تجارت خدمات و میزان اشتغال تأیید می‌گردد. این نتیجه با توجه به فراوانی نیروی کار در کشورهای اسلامی و مزیت نسبی آنها در کالاهای کاربر مطابق انتظار می‌باشد.

۲) کاهش مالیات در این پژوهش دارای ضریب منفی و معنی‌دار ۰،۰۸۸۶- نسبت به متغیر اشتغال می‌باشد. بدین ترتیب با فرض ثابت بودن سایر عوامل، افزایش (کاهش) یک درصدی شاخص مالیات، موجب کاهش (افزایش) متغیر اشتغال به میزان ۰،۰۸۸۶ خواهد بود. در مورد مالیات بر درآمد دولت‌ها بیشترین تأثیر را در این بخش داشته و چون در کشورهای اسلامی، نظام ثابت و منظم مالیاتی وجود ندارد، سرمایه‌گذاران و مدیران قوانین مالیاتی را به راحتی دور می‌زنند تا سود خود را به حد اکثر برسانند که این امر بر روی متغیرهای اقتصادی از جمله اشتغال تأثیر منفی دارد.

۳) میزان کاهش شاخص ارزش افزوده تولید برابر با ۰،۳۴۶۷- است که نشان‌دهنده وجود یک رابطه منفی و معنی‌دار بین این متغیر و اشتغال می‌باشد. بنابراین با افزایش (کاهش) یک درصد متغیر ارزش افزوده تولید، متغیر اشتغال به میزان ۰،۳۴۶۷ کاهش (افزایش) می‌یابد. این متغیر هم از لحاظ تئوری‌های اقتصادی و هم از لحاظ تئوری‌های آماری معنادار می‌باشد و نتایج نمونه مطابق با نظریه‌های اقتصادی می‌باشد.

۴) کاهش نرخ ارز موثر واقعی بر اشتغال دارای رابطه مثبت و معنی‌دار و برابر با ۰،۳۱۹۴ است. این امر بیانگر وجود رابطه مستقیم میان نرخ ارز موثر واقعی و اشتغال در این الگو می‌باشد. بدین معنی که با افزایش (کاهش) یک درصدی شاخص نرخ ارز موثر واقعی، اشتغال به میزان ۰،۳۱۹۴ افزایش (کاهش) می‌یابد.

تسهیل فضای کسب و کار، ایجاد امنیت سرمایه‌گذاری و برقراری مشوق‌های کارآمد برای جذب سرمایه‌گذاران خارجی.

۲) فراهم کردن زمینه‌های حضور بیشتر موسسات مالی کشورهای در حال توسعه در بازارهای مالی خارجی به منظور افزایش اشتغال در بخش خدمات مالی و ارتقای توان رقابت آن در بازارهای جهانی.

۳) مقررات زدایی در زمینه صادرات و واردات خدمات مالی.

۴) رفع موانع تولید، تجارت خدمات و سرمایه‌گذاری.

۵) تسریع در فرایند عضویت کشورهای در حال توسعه در سازمان تجارت جهانی.

۶) کنترل فشار زیاد عرضه نیروی کار.

۷) اجتناب از افزایش هزینه نسبی استفاده از نیروی کار (در کشورهای در حال توسعه به دلیل وفور نسبی نیروی کار، دولت‌ها باید به گونه‌ای سیاست‌گذاری نمایند که از افزایش هزینه نسبی استفاده از نیروی کار اجتناب شود).

در خاتمه پیشنهاد می‌شود مطالعاتی در زمینه اثرات نرخ بهره و نحوه اثرپذیری آن بر اشتغال در کشورهای مورد بررسی، تأثیر نرخ تورم بر اشتغال و همچنین اثر متغیرهای تجارت و مالیات با تفکیک بخش‌های صنعت، کشاورزی و خدمات در کشورهای منتخب اسلامی انجام شود تا این کشورها بتوانند الزامات اجرای موفق اشتغال و تجارت را فراهم نمایند.

فهرست منابع

ارگاس فوروندا، اسکار، (۱۳۸۰)، علوم اجتماعی و مشکل بیکاری جوانان در جهان، ترجمه سازمان ملی جوانان، تهران، نشر روناس.

افروز، آزاده، (۱۳۹۰)، مطالعه اثرات تجارت خارجی بر اشتغال بخش‌های مختلف اقتصادی، ماهنامه اجتماعی، اقتصادی، علمی و فرهنگی، شماره ۱۳۶.

امینی، علیرضا، لطفی‌پور، مریم، (۱۳۹۴)، تحلیل اثرات آزادسازی تجارت خدمات بر بهره‌وری کل عوامل (مطالعه موردی کشورهای منتخب در حال توسعه)، پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۷۵.

امینی، علیرضا، مرادزاده، سلاله، (۱۳۹۴)، تحلیل تأثیر آزادسازی تجاری بر نرخ بیکاری: مطالعه موردی کشورهای منتخب در حال توسعه، فصلنامه علوم اقتصادی، سال ۹، شماره ۳۱.

بخش تولید می‌تواند بر اثر افزایش تکنولوژی و بهره‌وری در عوامل تولید و به تبع آن کارایی و بهبود محصول ایجاد شود. وقتی کشوری به سمت پیشرفت حرکت می‌کند بایستی از عوامل تولید (سرمایه و نیروی کار) به بهترین نحو بهره‌جوید. کشورهای در حال توسعه که شرایط مناسب‌تری را از لحاظ فراوانی مواهب جهت توسعه و پیشرفت دارا هستند، سرمایه و نیروی کار خود را برای بالا بردن ارزش افزوده تولیدی جهت رقابت با تولیدات مشابه خارجی و همچنین رفاه مصرف‌کنندگان داخلی به کار می‌برند. بدیهی است که با پیشرفت کشورها و بالا رفتن سطح تکنولوژی عامل سرمایه کارتر از عامل نیروی کار عمل خواهد کرد حتی بسیاری از کالاها و خدماتی که قبلاً به صورت سنتی و دستی و با نیروی کار فراوان تولید و اجرا می‌شد اکنون با سوق کشورها به سمت توسعه جای خود را به ماشین‌آلات خواهد داد. در نتیجه همان تولیداتی که با زحمت و وقت فراوان و با نیروی کار بیشتر انجام می‌گشت اکنون با کیفیت بیشتر، زمان مناسب و با نیروی کار کمتر تولید خواهد شد. لذا افزایش ارزش افزوده حاصل از تولید می‌تواند بر میزان اشتغال تأثیر منفی داشته باشد که نتایج تحقیق نیز این امر را به خوبی نمایان می‌کند.

طبق نتایج تحقیق، کاهش نرخ ارز موثر واقعی بر میزان اشتغال رابطه مثبت و معنی‌داری دارد. زمانی که ارزش پول داخلی کاهش می‌یابد یا به عبارت دیگر نرخ ارز افزایش می‌یابد این مسأله با توجه شرط مارشال لرنر با تکیه بر شرط ثبات بازارها بیان می‌کند که اگر مجموع قدر مطلق کشش تقاضای واردات و صادرات نسبت به نرخ ارز بزرگتر از یک باشد بازار ارز با ثبات بوده و کاهش ارزش پول منجر به بهبود تراز تجاری می‌شود. در این حالت ارزش میزان صادرات افزایش یافته و از ارزش میزان واردات کاسته می‌شود. بنابراین یک رابطه مثبت میان نرخ ارز و اشتغال در کشورهای مورد بررسی وجود دارد.

با توجه به اثرات آزادسازی تجارت خدمات مالی بر میزان اشتغال، می‌توان گفت که آزادسازی تجارت خدمات مالی تحول بزرگی را در اقتصاد جهانی سبب شده است و بی‌توجهی به دستاوردها و اثرات آن به هیچ وجه منطقی به نظر نمی‌رسد. بنابراین برای بهره‌گیری از این دستاوردها، پیشنهادات ذیل در جهت آزادسازی تجاری خدمات مالی توصیه می‌شود.

۱) فراهم کردن زمینه‌های حضور موسسات مالی خارجی در داخل کشورهای در حال توسعه مانند اصلاح قوانین و مقررات داخلی به منظور رفع ممنوعیت‌های ورود موسسات مالی خارجی در کشورهای در حال توسعه،

کیانمهر، محمد ولی، (۱۳۸۵)، بررسی آثار بیکاری با تاکید بر آسیب‌های اجتماعی، ماهنامه تعاون، شماره ۱۸۳، صص ۶۳ تا ۶۰.

نصرالهی، زهرا، هانیه، پوشدو زبانی، (۱۳۹۳)، رابطه میان تجارت و اشتغال در بخش صنعت، فصلنامه سیاست‌گذاری پیشرفت اقتصادی دانشگاه الزهرا (س)، سال ۲، شماره ۲.

Arnal, Elena (2011), Trade and Employment: the case of Denmark and Spain, OECD publishing, NO.123, 1-55.

Do, Quy-Toan and Andrei A. Levchenko (2004), "Trade and Financial Development" the world bank.

Kramarz, Francis (2011), Employment and Trade in France: A Firm-Level View (1995-2004) OECD Publishing, No. 124, 1-23.

Lapadre, P. Lelio (2012), Trade and Employment in Italy, OECD Trade Policy Working Papers, NO. 126, 1-44.

Levine, R "Financial Development and Economic Growth: Views and Agenda", Journal of economic Literature, June, pp. 688-726, 1997.

Mitra, Arup (2009). Impact of Trade on Service Sector Employment in India, Institute of Economic Growth University of Delhi Enclave North Campus, Working paper Series, No. E/298/1-36.

Myrdal, G. "Economic Theory and Underdevelopment Regions," London, 1357.

Polat, Ozgur & Ertad Uslu Enes (2011), Impact of international trade on employment in manufacturing industry of Turkey African Journal of Business Management, Vol. 5(13), 5127-5135.

Salvatore, D, (1996), "International Trade Policies Industrialization and Economic Development," The International Trade Journal, 10(1). 21-47

World development Indicators 2008, the World bank.

بهکیش، مهدی، (۱۳۸۵)، اقتصاد ایران در بستر جهانی شدن، چاپ اول، تهران، نشرنی.

راستی، محمد، اشرف‌زاده، سیدحمیدرضا، کمالی اردکانی، مسعود، اسمعیلی‌پور ماسوله، الهام، (۱۳۹۲)، تاثیر توسعه تجارت خدمات بر رشد اقتصادی کشورهای ملحق شده به WTO، مجله سیاست‌گذاری اقتصادی، سال پنجم، شماره ۱۰.

راستی، محمد، (۱۳۸۸)، تجارت خدمات مالی در کشورهای عضو گروه دی هشت: بررسی رابطه تجارت خدمات مالی و توسعه مالی، بررسی‌های بازرگانی، شماره ۳۶.

زارع مهرجردی، محمدرضا، ضیاء‌آبادی، مریم، جلائی، سید عبدالمجید، (۱۳۸۹)، تأثیر آزادسازی تجاری و اندازه دولت بر اشتغال بخش کشاورزی ایران. اقتصاد کشاورزی، جلد ۴، شماره ۴.

زاغیان، محمد، عسگری، منصور، (۱۳۸۵)، تاثیر آزادسازی تجارت خدمات مالی بر رشد اقتصادی ایران، موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی تهران.

سرمدی، حسین، (۱۳۸۹)، اثرات جهانی شدن اقتصاد بر سطح اشتغال در ایران و برخی کشورهای در حال توسعه، مجله دانش و توسعه، شماره ۳۲.

علوی لنگرودی، سید حسین، (۱۳۹۰)، تجارت و اشتغال، پژوهشنامه بانک و اقتصاد، شماره ۱۱۴. قدردان، حمید، (۱۳۸۷)، تجارت خدمات در کشورهای در حال توسعه، مجله تدبیر، بخش تجارت بین‌الملل.

کتابفروش بدری، آرش، (۱۳۹۱)، تأثیر تجارت و مالیات بر اشتغال در اقتصاد کشورهای منتخب جهان، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، پایان نامه کارشناسی ارشد.

کرباسی، علی رضا و همکاران، (۱۳۸۷)، پیش‌بینی اشتغال بخش کشاورزی در ایران، مجله اقتصاد در توسعه کشاورزی (علوم و صنایع کشاورزی)، جلد ۲۲، شماره ۲.

کمیحانی، اکبر، قویدل، صالح، (۱۳۸۵)، نقش آزادسازی تجاری بر بازار کار و اشتغال برآورد تابع تقاضای نیروی کار در ایران، پژوهش‌نامه اقتصادی، سال ششم، صص ۱۳ تا ۲۱.

یادداشت‌ها

¹ *International trading*

² *Salvatore.1386*

³ *Gatt.1948*

⁴ *Levine.1997*

⁵ *Orgaz.1380*

⁶ *Myhal et al*

⁷ *Panel data*

^۸ روش گشتاورهای تعمیم یافته

⁹ *Lapadre*

¹⁰ *Mitra*

^{۱۱} روش خود توضیحی با وقفه‌های توزیعی

¹² *Hyun & Ki*

¹³ *Two & Levchenko*

¹⁴ *World Trade Organization*

¹⁵ *Polat & Ertad*

¹⁶ *World Development Indicators*

¹⁷ *Spurious regression*

¹⁸ *Levin, Lin & Chu*

¹⁹ *Im*

²⁰ *Pesaran & Shin*

²¹ *Fisher*

²² *Cao & Pdrvny*

²³ *Limer*

²⁴ *Hausman*

²⁵ *Wald*

²⁶ *Chi2*